

فرمان محترم،

فانه تو از ناراضی ۴۱ ماهه نجات داد. یعنی بر تو کمی گفته که در تماس آری تلفنی که با امامان و بابای دانتسم و با بدیع همیشه از وضع دختر "کوچولو" می پرسیدم (حون نمیشد است را برد) و حالاً شام که تو از منی با برنجت می کنده، جان به در بری. اما از تکرار تاریخ که یاد آور شد. ای ناراضی ام که هر آن زمان دست و جدائی از من را نصیب ما کرده است. ما دور از وطنان نسل پیش چون سر سازگاری با من و خفقان حاکم بر کشورمان انداختیم تا گریز به هایدستیم. در حالی که بخاطر از نزدت کشورمان جدا نبودیم <sup>که</sup> آن امید که فرزندان امام یعنی من و من از ما نتوانند روی آوردی و عدالت اتمامی را بینند و زندگی آزادوار سکونانی داشته باشند. نم من از آن است که تو هم امروز مثل هزاران جوان همانند دیگر به نزدت مبلغ خود من دچار شدی! چرا باید چنین باشد؟ گفت گنهگار؟ یا تیغ باشد؟ من بیدار امروز ایران است یعنی از اختیار خودم اضر یا خدای که آنرا می شد پیش منی کردن من با من دردی که از حدود وطن دارم، تا دم که دچار بی راهه ندیم. شاید این جدائی صمد که پاداش من است ~~باید~~ با امام عمر من باشد، جسم را کامل از خود کند، اما روحم و ضمیر را صقل خواهد داد حقیقت را از غرضه تر خواهد کرد. امید من به جوانان مان است به شما که جهان مان باز است و آگامی مان عمیق و تجر بیابانان بزم است ز یاد تو را ما. و اما از زندگی ام بخوابی، از بی نظ خانه و معیشت و عمره بایدم ندراد هستم و هیچ امکانی از این صفت ندارم. رو بسیار در بیان و مطالب است. تا دین اول ماه است اصل سرا تو ام اینجا بمانم. حال با تهریه خواهد کرد یا استیسه باید جاها گری بروم. عماد ام. نظر از نزدت بدیع هستم که ضعیف تا معلوم و در کار است.

از فلور تم خبر؟ خلی بردن ناراضی و همین طرد برای سیمین خانم و پیر عموم و ه که چه عذابی آنها کشیدند و منو زخم آدام دارد اما آنها آنها چنین نیستند...

عزت تلفن را بر من ۹۹۳۵۴۰۹ اگر توانستی تلفن کنی و اگر تلفن داری بنویس تا من تلفن کنم. (اول ماهی در پاریس بودم تا سفره و نرانی داشته من ۲ هفته دیگر تمام می شود و گرنه یک بار دیگر تمام می آید اما سبک هم راضی ام از جایی که خلی

از آنجا خوش آمد. سفر زیاد نقد ام دکا کوم که این مسکن خوبی است برای هم افطر اب ام.  
 دفعه دیگر برای ۲ قطعه می‌درستم. نقاشی تو به کیجا رسیده! خوب مهارت که نمونه اما برای  
 ما فرستاده.

نشر طوفان است ما هستیم. خراسان ما هم نامه ناسا ما هم ما به کس نشان مده که مهد ام نخواس داد.

به امید دیدار در سن کزاد مان تراما بوسم

دار

لندن ۹ مه ۱۹۸۳

رزنا لیدن چه حاصل؟

نامه ککریا در ستادم